

زندگی من
گذشته من
بیمار و گندگرفته
نخل های گر گرفته، ریشه به دریا دریده کوهی
الف دو زیر "آن" و دو زیر "آن" و دو پیش "آن" (آه انسان)

خوچه ها،
دسته ها،
کروه ها،
کردان ها،
هنگ ها،
لشکرها،
سپاه ها،
در میان خاک و خل بی خانمان!
و در هم جوشان (آه انسان)

همانان که در بنای
اهرام
باغ اویزان
آبادان
و بنگلوه های آفریقایی
نقش بر گرده می کشیدند
اکنون
دنبال پاروکاها
و خمپاره اندازها
و ۷۵ ها
و ۱۰۵ ها
عرق ریزان
با چشمان خون چکان (آه انسان)
بختگی که در این کابوس مرگبار
بر ما افتاده
سنگین است.
متعفن و چرکین است.
کشنده است
باید کاری کرد کارستان (آه انسان)

گریه زیر دندان جویده شما را می شنوم
چرا نمی گویم؟
چرا نمی نویسم؟
نمی توانم؟
هوشم، حواسم، روحم، مرده؟
نه! (آه انسان)

شبیشه فانوس خورشید
زنگار گرفته
روغن بیه سوز ماه
ته کشیده
خم نیلی آسمان چرک ناک شده
اما این جاودانه نیست (آه انسان)

شبیشه فانوس خورشید
صیقل گیرد
روغن بیه سوز ماه
افزون گردد
و چرکی رخساره نیلی سپهر
زدوده شود (آه انسان)

نه، نه
من نمرده ام
و هیچکس نمرده
ادمی مرگ را کشته